

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱

(۱۷۹-۲۱۸)

بررسی تطبیقی جایگاه زن در امثال و حکم فارسی و کردی

(با تأکید بر کارکرد خانوادگی و اجتماعی زن)

محمد رضا عابدی*، محمد مهدی پور*

چکیده

با توجه به قرابت‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی در دو جامعه زبانی فارسی و کردی، و اهمیت جایگاه زن و خانواده در جامعه ایرانی و کردی، این مطالعه به بررسی تطبیقی امثال و حکم مرتبط با زن و خانواده در زبان کُردی و فارسی اختصاص یافت. بدین منظور، به منابع اصلی که در بردارنده امثال و حکم فارسی و کُردی بودند، مراجعه شد و مثل‌های موجود در موضوع زن و نیز ارتباط زن با مرد و دیگر اعضای خانواده و همچنین جایگاه و کارکرد خانوادگی و اجتماعی زن، استخراج گردید. نگارندگان، این مثل‌ها را از حیث مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار و فرم ادبی نظیر موسیقی، صور خیال، جنبه‌های زبانی و نحوی، و نیز از حیث درون‌مایه و محتوا بررسی کردند و جنبه‌های اشتراک و افتراق آن‌ها را باز نمودند. از رهگذر جست‌وجوی مثل‌های مرتبط با زن و خانواده، به‌طور کلی ۳۹ زوج ضرب‌المثل مطابق هم در این دو زبان به دست آمد و در سه دسته همسان، مشابه و متفاوت طبقه‌بندی

* دانشیار دانشگاه تبریز

abedi@tabrizu.ac.ir

* استاد دانشگاه تبریز

Mohammad.mahdipour@tabrizu.ac.ir

شده و در بوته بحث و بررسی قرار گرفت. در نتیجه، از میان ۳۹ زوج ضرب‌المثل بررسی شده، ۷ زوج (۱۷/۹٪) کاملاً همسان، ۱۸ زوج (۴۶/۱٪) مشابه و ۱۵ زوج (۳۸/۴٪) متفاوت بودند. مثل‌های همسان از جهت فرم و ساختار تفاوتی ندارند و به تبع آن مفهوم واحدی از آن‌ها مستفاد می‌شود، بنابراین احتمال اینکه یکی از مثل‌ها در این دو زبان نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری از زبان دیگر باشد، به مراتب بیشتر از مثل‌های مشابه و متفاوت است. به‌طور کلی، مثل‌های فارسی صبغه ادبی بیشتری دارند و صور خیال نسبتاً پیچیده و درهم‌تنیده در آن‌ها مصادیق قابل توجهی دارد. در مقابل، مثل‌های کردی صمیمی و روان و دلنشین‌اند و در آن‌ها تصاویر ساده و ملایم و غالباً از سنخ تصویرهای رایج در ادبیات عامیانه است.

واژه‌های کلیدی: امثال و حکم، کردی، فارسی، زن، خانواده

مقدمه

مثل برگرفته از مثال است. اصل در آن تشبیه است. به‌نحوی که حالت دوم بر حالت اول تشبیه شده باشد. (رک. میدانی، ۲۰۰۳: ۲۱ و العسکری، ۱۴۰۸: ۱۰) صاحب مجمع‌الامثال در تبیین شیوایی و بلاغت مثل به سخن ابن‌مقفع استناد می‌کند که می‌گوید: إذا جعل الکلام مثلاً کان أوضح للمنطق، وأتق للسمع، وأوسع لشعوب الحَدِيث. یعنی آنگاه که کلام شکل مثل پیدا می‌کند [معمولاً] سیاق منطقی روشنی دارد و گوش‌نواز است و شاخه‌های مختلفی از سخن را در برمی‌گیرد. (میدانی، ۲۰۰۳: ۲۴)

ضرب‌المثل‌ها از سویی به جهت ارتباط با سطوح مختلف زبان اعم از زبان محاوره و زبان ادبی، عمومیت بیشتری دارند و از دیگر سو در هر فرهنگی بیانگر هنجارها و نابهنجارها و تمایلات و سلیق جمعی هستند که مردم آن فرهنگ آن‌ها را پذیرفته‌اند. به همین علت، بیش از منابع مکتوبی چون شعر و نثر نمایانگر اندیشه‌های حاکم بر یک جامعه‌اند و به‌واسطه اینکه ریشه در ادبیات عامیانه دارند و از بطن جامعه نشئت می‌گیرند، به‌منزله آیین تمام‌نمای جامعه

و تاریخ هر ملتی عمل می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳). همچنین، ارتباط مثل‌ها با شئونات گوناگون اخلاقی، تاریخی و اجتماعی سبب می‌شود تا بتوانیم با تعمق و تأمل در آن‌ها تا حدود قابل توجهی تحولات و دگرگونی‌های جامعه را دریابیم.

از دیگر سو، وسعت شمول مضامین و مفاهیم مندرج در امثال که ابن مقفع از آن با تعبیر «أَوْسَعُ لَشُعُوبِ الْحَدِيثِ» یاد می‌کند. (رک. میدانی، ۲۰۰۳: ۲۴)، سبب می‌شود که این مضامین در قالب‌ها و ساختارهای نسبتاً مشابه در فرهنگ ملل دیگر نیز نفوذ کند و نقش مشابهی در محیط جدید ایفا نماید و چه بسا این نفوذ به دلیل سازگاری با صفات فطری انسان‌ها، مشابهت نیازها و پسندهای آن‌ها باشد.

مترجمان و نویسندگان و شاعرانی که به زبانی غیر از زبان مادری خود نیز آشنایی دارند، با توسل به شیوه‌هایی چون ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری، و یا معادل‌یابی دقیق، یا به‌دست‌آوردن معادل‌های مشابه و نزدیک از عوامل اصلی انتقال عناصر فرهنگی و ارتباط فرهنگی هستند. اینان امثال‌وحکمی را که در زبان و فرهنگ دیگری مناسب روح جمعی جامعه خود می‌یابند، برمی‌گزینند و به نسبت مهارت و تسلطشان بر زبان و ادب بومی‌شان به زبان مادری برمی‌گردانند و در مواضع مناسب به کار می‌گیرند.

اگرچه ضرب‌المثل‌ها در اصل، بخشی از ادبیات فولکلور یک جامعه زبانی به حساب می‌آید، با وجود این، به‌مرورزمان در ادبیات رسمی نیز وارد شده و به‌منزله بخشی از خمیرمایه آن درمی‌آید. از این رهگذر، وجود گنجینه غنی از ضرب‌المثل‌ها هم بر غنای ادبیات فولکلور می‌افزاید و هم باعث تقویت ادبیات رسمی می‌شود. در این میان، زبان فارسی و زبان کردی در زمره زبان‌هایی هستند که گنجینه مثل‌های آن‌ها از غنای ویژه‌ای برخوردار است.

پیوند زبان فارسی و زبان کردی پیوندی دیرینه و استوار است. بسامد بالای واژگان مشترک در این دو زبان- که تنها تفاوتشان در گویش و نوع ادای کلمات، متناسب با طبیعت هر یک

از این دو زبان است - از جمله نشانه‌های این پیوند استوار است. چنین پیوندی ریشه در تعلق دو زبان فارسی و کردی به یک خانواده زبانی یعنی شاخه هند و ایرانی زبان‌های هندواروپایی دارد و نشانگر آن است که فارسی‌زبانان و کردی‌زبانان از دیرباز و در طول ادوار متمادی تاریخی پیوستگی‌ها و مشترکات فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی و نژادی متعددی با هم داشته‌اند.

جایگاه و اهمیت زن در ضرب‌المثل‌ها

زن پیوسته در فرهنگ و ادبیات ملل از منظر فلسفی، دینی، اجتماعی و فرهنگی موضوع بحث و نظرهای متعدد، متفاوت و احياناً متناقض بوده است. موضوع زن در طیف وسیعی از ضرب‌المثل‌های فارسی و کردی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم مطرح شده و از ابعاد مختلف فردی و اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. شاید بتوان گفت رویکرد مثل‌ها به موضوع زن لزوماً با رویکرد ادبیات رسمی و سنتی در این زمینه مطابقت ندارد، بلکه این دو رویکرد، اشتراکاتی و تفاوت‌هایی با هم دارند. به‌طور کلی ادبیات رسمی فارسی و حتی کردی شخصیت مردانه دارد و نگاه مردانه بر آن‌ها حاکم است. اما در ضرب‌المثل‌ها لزوماً این‌گونه نیست؛ چنان‌که می‌توان دسته‌ای از مثل‌ها را ملاحظه کرد که رویکرد زنانه در آن‌ها غالب است. این بدان جهت است که «با وجود ادبیات رسمی که هنری بیشتر مردانه است، بخشی از ضرب‌المثل‌ها آفریده خود زنان است. احتمالاً زنان با ذوق و اندیشمندی بوده‌اند که در برابر ضرب‌المثل‌های زن‌ستیزانه و یا زن‌گريزانه به دفاع از خویش برآمده و کوشیده‌اند چهره ارائه‌شده در فرهنگ عامه نسبت به زن را بدین گونه اصلاح کنند» (باقری و باقری، ۱۳۹۱: ۳۰).

زن در ضرب‌المثل‌ها بیشتر در کانون خانواده و در ارتباط با شوهر و به تبع آن در ارتباط با خانواده شوهر و خانواده پدری دیده می‌شود و به اقتضای زندگی سنتی، او را کمتر در محیط اجتماعی و در کسوت یک کنشگر فعال و تأثیرگذار اجتماعی می‌یابیم.

از این رهگذر، برخی ضرب‌المثل‌ها صفات شایسته، اخلاقی و انسانی زن ایرانی را به‌ویژه در ارتباط با حریم خانواده تبلیغ و توصیه می‌کنند؛ این ضرب‌المثل‌ها به تعریف و توصیف زن پرداخته‌اند و به بخشی از تفاوت‌های جسمی و روحی، و فکری و احساسی زن با مرد از جمله لطافت و ظرافت وی اشاره دارند. ضرب‌المثل‌های مذکور صفات مثبت زنان را بیشتر از نگاه مردانه و احیاناً از موضع برتر ارزیابی کرده و ستوده‌اند. در مقابل، بخش قابل‌توجهی از ضرب‌المثل‌ها خصمانه، غرض‌ورزانه و کاملاً یکسونگرانه‌اند. همچنین آن‌قدر که در شعر و ادبیات غنایی بر زیبایی معشوق یا زن تأکید شده، در ضرب‌المثل‌ها بدان اشاره برجسته‌ای نشده است. در عین حال زشتی ظاهری زن نیز چندان مدنظر نیست، بلکه بیشتر به منش، اخلاق و رفتار او توجه شده است (باقری و باقری، ۱۳۹۱: ۵۱).

به‌طور کلی ضرب‌المثل‌های مرتبط با زن به سه دسته کلی قابل‌تقسیم‌اند: نخست ضرب‌المثل‌های مربوط به طبیعت، زیبایی و جسم زن؛ دوم ضرب‌المثل‌های مربوط به دوره‌های مختلف زندگی او مثل دختر، تازه‌عروس، همسر، مادر، بیوه، مادر بزرگ و ...؛ سوم ضرب‌المثل‌های مرتبط با زندگی خصوصی او نظیر عشق، حاملگی، تولد بچه، کار، زندگی خانوادگی و ... (امین‌الرعیایا و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۲).

ضرورت تحقیق

بررسی تطبیقی مضامین مشترک امثال و حکم فارسی و کردی می‌تواند به شناخت هرچه بهتر اشتراکات فرهنگی، ادبی، اجتماعی و تاریخی گویشوران این دو زبان کمک کند و زمینه بهبود و تقویت روابط فرهنگی و انسانی فارسی‌زبانان و کردی‌زبانان را در داخل ایران و در سطح منطقه فراهم سازد و در نتیجه به همبستگی ملی و منطقه‌ای یاری رساند.

بیان مسئله

این پژوهش به بررسی تطبیقی امثال و حکم فارسی و کردی با تکیه بر امثال مربوط به موضوع زن و خانواده اختصاص دارد. نگارندگان، مثل‌های موجود در موضوع زن و همچنین جایگاه و کارکرد خانوادگی و اجتماعی زن و نیز کیفیت تعامل زن با مرد و ارتباط او با دیگر اعضای خانواده را استخراج کردند و آن‌ها را از حیث مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار و فرم ادبی نظیر موسیقی، صور خیال، جنبه‌های زبانی و نحوی، و نیز از حیث اندیشه و محتوا بررسی کردند و جنبه‌های اشتراک و افتراق آن‌ها را باز نمودند. نوشتار حاضر به منابع معتبر فارسی و کردی متکی است. منابع اصلی فارسی در این پژوهش کتاب «امثال و حکم فارسی» از علی‌اکبر دهخدا و «ده‌هزار مثل فارسی و سی‌هزار معادل آن‌ها» از ابراهیم شکورزاده بلوری، و منابع کردی «امثال و حکم کردی» از قادر فتاح قاضی و «پهنده کانی» از پیره میرد و «پهنده پیشینیان» از محمدی خال است.

پیشینه تحقیق

تاکنون هیچ‌گونه بررسی دقیق و جامعی درباره مضامین مشترک امثال و حکم فارسی و کردی، و تحلیل آن‌ها انجام نگرفته است. جز یک کتاب و یک مقاله از سید احمد پارسا که آن‌هم به دلیل محدود بودن دامنه پژوهش، خلأ موجود را برطرف نکرده و ضرورت کار را همچنان محفوظ نگاه داشته است.

- کتاب «بررسی تطبیقی امثال کردی و فارسی» از سید احمد پارسا، ناشر دانشگاه کردستان، سال (۱۳۹۴). این کتاب شامل مباحث زیر است: طرح تعاریف و کلیاتی درباره مثل، امثال و حکم کردی و تاریخچه آن در مناطق مختلف و آثار مستشرقان در این حوزه، آوردن مثل‌ها و مثل‌نماها در زبان کردی سورانی ایران و معادل آن‌ها به ترتیب الفبایی. هدف نویسنده

یافتن معادل‌های فارسی برای امثال کردی و کمک به شناخت بیشتر اشتراکات فرهنگی دو زبان بوده است. نویسنده در این کتاب به یافتن معادل‌ها اکتفا کرده و چندان متعرض بررسی و تحلیل ارتباط مثل‌ها و تطبیق آن‌ها نشده است.

- «مقایسه تطبیقی امثال کردی و فارسی» از سید احمد پارسا (۱۳۹۰) محدوده پژوهش در این مقاله، امثال رایج در میان گویشوران کردی سورانی در ایران است و امثال سورانی رایج در منطقه کردستان عراق را شامل نمی‌شود. مسئله دیگر اتکای نویسنده به منابع محدود در استخراج امثال است؛ به نحوی که در امثال کردی از یک منبع و در امثال فارسی نیز صرفاً از یک منبع استفاده شده است. در زمینه بررسی تطبیقی امثال و حکم فارسی با امثال و حکم زبان‌های دیگر (جز زبان کردی) پژوهش‌های دیگری نیز به عمل آمده که برخی از آن‌ها عبارت است از:

- «تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان و سبک (بررسی موردی بیست‌ویک مثل) از منصوره زرکوب و فرهاد امینی (۱۳۹۳)

- «مقایسه تطبیقی ضرب‌المثل‌های بلوچی و فارسی» از عبدالرضا سیف، محمد اکبر سپاهی، اسحاق میربلوچزایی (۱۳۹۴)

- «بررسی مصداقی امثال و حکم در زبان‌های فارسی و آلمانی» از آرمین فاضل‌زاد و نعیمه سادات غروی (۱۳۹۱)

بحث و بررسی

نگارندگان با توجه به تسلط به زبان فارسی و کردی و اشراف نسبی بر امثال و حکم فارسی و کردی، و مطالعه قبلی در این زمینه دریافتند که مضمون‌های مشترک و احتمال تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل مثل‌های فارسی و کردی، در موضوعات مختلف از جمله در موضوع زن و

خانواده در سه دسته «متفاوت»، «مشابه» و «همسان» می‌تواند بررسی شود. بر این پایه، کارنوشت حاضر ذیل سه عنوان مذکور طبقه‌بندی گردید:

مثل‌های متفاوت

اینجا منظور از متفاوت، امثال و حکم متفاوت در ساختار، با مضمون مشترک است؛ مثل‌هایی که از جهت فرم و ساختار، یعنی واژگان تشکیل‌دهنده مثل و ترتیب چینش واژگان نسبت به واژگان معادلشان در زبان مقابل و شکل بیان و نوع تصویرسازی و عناصر موسیقایی و احیاناً ساخت دستوری تفاوت کلی دارند. اما در عین حال، معنای نزدیک به هم و مفهوم یکسان یا مشابهی را بیان می‌کنند. در این گونه از مثل‌ها، معمولاً در هر مثل از تمثیل متفاوتی برای بیان یک ایده و مفهوم واحد استفاده شده است. می‌توان مفهوم واحد را طرف معقول و انتزاعی یک اسلوب معادله فرض کرد که طرف محسوس آن در هر کدام از دو مثل فارسی و کردی متفاوت است. نمونه‌های زیر از این قبیل است:

مثل فارسی: زن نخواهد اگرش دختر قیصر بدهند - وام‌نستاند اگر وعده قیامت باشد.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۵۱۱)

مثل کُردی: هه‌که میره‌ک بخوازیت باش بدیت دِبا خُو ذ دِن ئینان وقه‌رکردنی
بئاریزیت (Heke mîrek bixwazêt baş bjît dibya xo ji jin înan û

qerkirdnî bparêzêt). «هر مردی که می‌خواهد خوب زندگی کند، از زن‌گرفتن

پرهیز می‌کند.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

هر دو مثل در قالب جملات خبری بیان شده‌اند. در عین حال، در هر دو مثل، معنای ثانویه خبر مدنظر بوده و غرض اصلی نهی مخاطب است، نه ابلاغ خبر. بنابراین از منظر بلاغت و علم معانی در هر دو لازم‌فایده خبر اراده شده است. مثل کردی یک پیام واحد دارد. اما مثل فارسی متضمن دو پیام هم‌سو است.

در مثل فارسی که بیتی از ابن یمین است (ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۴۵)، مرد آزاده برای اینکه وجودش سلامت بماند، از دو کار بر حذر داشته شده است: یکی زن گرفتن، حتی اگر دختر قیصر را به او بدهند و دیگری وام‌ستاندن، حتی اگر مهلت بازگرداندن آن تا روز قیامت باشد. این مثل برای منع مردان از ازدواج و تشویق به تجرد استفاده می‌شود و مشابه آن مثل دیگری است که می‌گوید: «مرد باش و ترک زن کن کاندترین ایام ما - زن نخواهد هیچ مرد با تمیز و هوشیار» (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۶۲۷)

مثل فارسی: زن از غازه سرخ‌رو شود و مرد از غزا.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۱)

مثل کردی: ذن و میران طئل بیک فەرق هەنە و هەرییک بۆ تشتەکی طیرتین. (Jin û mêran gel yêk ferq hene û heryêk bo tiştêkî gîrtîn)

دارند و هرکدام با مسائل متفاوتی درگیر هستند. (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

این دو مثل بر تفاوت زن و مرد در کردار و شئون دلالت دارند. مثل کردی به تصریح و مثل فارسی به تلویح و با زبان هنری و در قالب ارائه مصداق این مفهوم را بیان کرده‌اند. در واقع مثل کردی قاعده کلی (زن و مرد با هم فرق دارند و هرکدام با مسائل متفاوتی درگیر هستند) را بیان می‌کند و مثل فارسی برای آن مصداق روشن (زن از غازه سرخ‌رو شود و مرد از غزا) می‌آورد. نتیجه اینکه مرد و زن در صفت سرخ‌رویی مشترک هستند؛ اما علت سرخ‌رویی، کیفیت سرخ‌رویی و نتیجه سرخ‌رویی آن‌ها متفاوت است.

بین کلمات «غازه» و «غزا» شبه اشتقاق وجود دارد؛ یعنی انگار از یک ریشه‌اند اما در واقع این‌گونه نیست. مفهوم مثل‌ها قابل قیاس است با مضمون حدیث «خيار خصال النساء شرار خصال الرجال، الزهو و الجبن و البخل، فاذا كانت المرأة مزهوه لم تمكن من نفسها و اذا كانت بخيله حفظت مالها و مال بعلها و اذا كانت جبانة فرقت من كل شیء يعرض لها» (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۹، ۱۴۱۳: ۶۵).

مثل فارسی: زنان را همین بس بود یک هنر - نشینند و زاینند شیرانِ نر.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۰)

مثل گُردی: ئەکی ئەسلییە ذنان هە ئەووە کو کورین عەطیت ئەروەردە کەن. (Ekî eslîye jnan he ewe ku kurrên 'egît perwerde ken) «کار اصلی زنان بزرگ کردن پسران است.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

مثل فارسی یک بیت شعر است و از موسیقی حماسی (فعولن فعولن فعولن فعل) بهره می‌برد که وزن شاهنامه است. به احتمال زیاد این مثل بیتی از فردوسی یا از اسدی طوسی است (انتساب بیت محل اختلاف است). با توجه به کلمه «هنر» تمجید از زن در ذهن تداعی می‌شود. در واقع گوینده فرزندزادان را به مثابه یک هنر تلقی می‌کند. در مثل کردی هاله تمجید از فرزندآوری کمرنگ است؛ زیرا در آن فرزندآوری کار تلقی می‌شود نه هنر. در حدیثی از پیامبر موضوع اهمیت فرزندآوری مورد تأکید قرار گرفته است «تَزَوَّجُوا بَكَرًا وَّلُودًا وَّ لَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ أَلَّامَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» پیامبر فرمود با دختر باکره‌ای که فرزندآور است ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم (کافی ۳۳۳: ۱۴۰۷). به‌طور کلی این دو مثل بر ارزش زن، یعنی فرزندآوری و تکثیر و بقای نسل تأکید می‌کنند (کیخایی و سیاوشی، ۱۳۹۲: ۳).

مثل فارسی: شوهر کردم و سمه کنم نه وصله کنم.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۰۳۵)

مثل گُردی: من بو رەحەتی شوو کر نه بو شول کرنی. (Min bu rehetîy şû kir ne bu)

(sul kîrnê) «من برای رسیدن به راحتی شوهر کردم نه برای کار کردن.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۴۰)

هر دو مثل دلالت بر یک مفهوم دارند؛ اما در ساختار کاملاً متفاوت‌اند. در مثل فارسی دو عبارت کنایی آمده و به جنبه بلاغی آن غنا بخشیده است؛ «وسمه کردن» که نشان از فراغ بال و آسایش و تجمل دارد و «وصله کردن» که اشاره به کار و مشغله و کارخانه دارد. بین کلمات

وسمه و وصله سجع متوازی و جناس مشهود است. در محور جانشینی مثل کردی نسبت به مثل فارسی راحتی و کارکردن جایگزین کلمات وسمه و وصله شده است. به‌طورکلی مثل فارسی صبغه ادبی دارد و مثل کردی ساده و روان است.

این مثل در مورد خانم‌هایی کاربرد دارد که فکر می‌کنند با ازدواج به زندگی راحت‌تری می‌رسند اما متوجه می‌شوند که انگار ازدواج تازه شروع مشکلات آنان است. این مثل بر تفکیک نقش زنان و مردان و تأکید بر خانه‌داری به‌عنوان نقش اصلی زنان در خانواده اشاره می‌کند (ملکی، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

مثل فارسی: ز بی شرم زن تیره گردد روان - هم از بی خرد پیر و کاهل جوان.

(دهمخدا، ۱۳۲۹: ۸۹۷)

مثل کردی: ذنی بیشه‌رم ، ضیشتی بی خوی. (Jnî bêşerm , çêştî bê xwê) «زن

بی شرم، چیزی است که نمک ندارد.» (موحه‌مه‌دی، ۱۳۹۴: ۱۲۷۵)

در مثل فارسی غرض از خیر هشدار و تحذیر است؛ بنابراین از منظر علم معانی معنای ثانویه خیر مدنظر است. مثل کردی با بهره‌گیری از اسلوب معادله و تشبیه مرکب زن بی شرم به یک چیز (مثلاً غذای) بی نمک، مطلوب نبودن چنین زنی را تبیین کرده است؛ از این رو از فنون علم بیان بهره گرفته است. مثل فارسی نسبت به زن بی شرم موضع شدیدتری دارد و او را عامل تیرگی روان می‌شمارد. موضع مثل کردی به‌ظاهر ملایم‌تر جلوه می‌کند ولی جهت‌گیری هر دو مثل یکسان است.

هر دو مثل تلویحاً زنان را به شرم و حیا توصیه می‌کنند. این امر در متون فارسی بسیار توصیه شده است؛ مانند آنچه که عنصرالمعالی در کتاب قابوس‌نامه به پسر خود می‌گوید که برای انتخاب همسر، زیبایی را ملاک قرار ندهد و به خصوصیات مهم‌تری چون دین‌داری، کدبانویی، شرم و حیای زن توجه کند: «اما چون زن طلب کنی طلب مال زن مکن و طلب

غایت نیکویی زن مکن که به نیکویی معشوقه گیرند. زن پاک‌روی و پاک‌دین باید و کدبانو و شوی‌دوست و پارسا و شرمناک.» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۲۹)

مثل فارسی: زن را نباید زد حتی با یک شاخه گل.

(شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۶)

مثل کردی: سه‌ط به‌ذنان ناوهری (Seg be jnan nawerrê) «سگ به زنان عوعو نمی‌کند.»

(فتاحی‌قازی، ۱۳۷۵: ۱۶۲)

نظر به این‌که گل نماد لطافت است، «حتی با یک شاخه گل نزدن» کنایه از «پرهیز از کوچک‌ترین اذیت و خشونت» است. چنان‌که «وعو نکردن سگ به زنان» نیز به دلالت کنایی طعنه‌آمیز لزوم پرهیز از حداقل آزار و اذیت نسبت به زنان را بیان می‌کند. همچنین از مثل کردی تلویحاً این معنا قابل دریافت است که درک و شعور کسی که زن را می‌زند از سگ پایین‌تر است.

مثل فارسی: دختر که رسید به بیست به حالش باید گریست.

مثل کردی: کض دبا زوو شوو بکهن (Kiç dbya zû şû bken) «دختر باید زود شوهر

کند.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

دو مثل با فرم و ساختار متفاوت مفهوم واحدی را می‌رسانند. مثل کردی به شکل ساده و مستقیم و مثل فارسی به صورت ادبی و غیرمستقیم، ضرورت ازدواج زودهنگام دختر را گوشزد می‌کنند. ایرانیان دختر هیجده ساله را ترشیده و بیست‌ساله را پیردختر می‌شمردند حال آنکه دختر با رسیدن به این سن به اوج شکوفایی و گیرایی خود می‌رسد (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۱). مثل فارسی قالب جمله مرکب را دارد. ولی مثل کردی جمله بسیط است. مثل فارسی موزون است و وزن هجایی دارد و در آن واژگان «بیست» و «گریست» قرینه‌های سجع مطرف‌اند. درون‌مایه و پیام هر دو مثل ضرورت الزام به کاری (شوهردادن دختر) قبل از سپری‌شدن زمان مطلوب آن است.

مثل فارسی: شوهرم برود کاروانسرا نانش بیاید حرم سرا. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۰۳۵)

مثل کردی: شولا میر هه‌رضی بیت بلا خه‌رجا مآلی بطة‌هیت . (Şula mêt herçî bît bla .
(xerca mallî bgehît) «شغل مرد هرچه باشد، مهم نیست فقط خرج و مخارج خانه
برسد.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۴۰)

مثل کردی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان شده و از هرگونه آرایش ادبی خالی است و درعین حال واقع‌گرا و صریح و صمیمی است. در مقابل مثل فارسی متضمن دو تعبیر کنایی است؛ «به کاروانسرا رفتن شوهر» کنایه از داشتن هرگونه شغل و ممرّ درآمد، و «به حرم‌سرا آمدن نانش» کنایه‌ای رندانه از صرف‌شدن درآمد برای خانواده است. درون‌مایه هر دو مثل آن است که داشتن شغل مشخص و درآمد ثابت مردان برای زنان اهمیت خاص دارد و به آنان آرامش روانی می‌بخشد؛ مثل فارسی موجزتر و ادبی‌تر است و مثل کردی را می‌توان به‌منزله توضیحی برای آن تلقی کرد.

این ضرب‌المثل طیفی از زنان را افرادی فرصت‌طلب نشان می‌دهد و ثروتمندبودن مردان را مهم‌ترین مسئله برای آنان می‌شمارد. (معصومی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۳). مثل‌های فوق قابل‌قیاس است با دسته‌ای از مثل‌های فارسی و کردی که بر اهمیت‌نداشتن ظاهر مرد و درعین حال بر اهمیت نان‌آوردن او تأکید دارند. چنانکه مثل بعدی از آن جمله است.

مثل فارسی: شوهرم شغال باشد نانم در تغار باشد. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۰۳۵)

مثل کردی: میر دبیا نان هینه‌ر بیت و شکلی وی زور طرنط نییه . (Mêt dibya nan
(hîner bît û şikllî wî zor gring nîye) «ظاهر مرد هر شکلی باشد، مهم نیست فقط
اهل کار و نان‌آور باشد.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۴۰)

مثل فارسی: عروس جوان داماد پیر - سبد را بیار جوجه بگیر. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۰۹۶)

مثل کردی: کهسه‌که تیر ذنه که جاهیل بینیت و زور بضووک بین . (Keseke pîr jne)

(ke cahîl bînît û zor bçûk bbin) «کسی که پیر است، اگر زن جوان بگیرد، سریع

بچه‌دار می‌شوند.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

مثل فارسی و کردی هر دو دربردارنده دو جمله شرط و جواب هستند. این ساختار در مثل کردی نمایان است اما در مثل فارسی به واسطه ایجاز اجزایی حذف شده است و شکل کامل آن به این صورت است: «اگر عروس جوان و داماد پیر باشد در آن صورت باید سبد بیاوری و جوجه بگیری.» «سبد آوردن و جوجه گرفتن» کنایه از تعدد بچه‌ها و سرعت بچه‌دار شدن است. شاید این مفهوم نیز تلویحاً از مثل‌ها قابل استنباط باشد که به جهت پیری داماد و ترس از بچه‌دار نشدن سریعاً اقدام به بچه‌دار شدن می‌کنند.

مثل فارسی: زن ار چند با چیز و با آبروی - نگیرد دلش خرمی جز بشوی.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۰)

مثل کردی: ذن ذنی میردان بی ، با له بهینی به‌ردان بی (Jin jnî mêrdan bî, ba le beynî berdan

bî) «زن زن مردان باشد، هر چند زیر سنگ باشد.» (موحه‌مه‌دی، ۱۳۹۴: ۱۲۷۹)

مثل فارسی بر تأثیر مثبت روحی، روانی شوهر کردن برای زن صحه می‌گذارد و از منظر علم معانی، معنای ثانویه تأکید بر آن مترتب است. اما مثل کردی صرفاً از ناگزیر بودن ازدواج برای زنان سخن می‌گوید و در آن از منظر علم بیان «زیر سنگ بودن» کنایه از سخت بودن دسترسی به چیزی است. این مفهوم که برای زن هیچ چیز بهتر از شوهر کردن نیست در مثل‌های بسیاری بیان شده است؛ مانند «زن پاک را بهتر از شوی نیست» (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۲) یا «زنان را نیست چیزی بهتر از شوی» (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۰).

مثل فارسی: هوو هوو است اگر همه سبوست. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۲۰۱۳)

مثل کُردی: ذن نان وشک بخوا به لأم هه وهی نه وی . (Jin nan wişk bixwa bellam .
(hewey newê) «زن نان خشک بخورد، اما هوو نداشته باشد» (موحه مه دی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۱)
دو ضرب المثل با دو بیان و ساختار متفاوت در مذمت هوو سخن می گویند. هر دو مثل از
دو جمله تشکیل یافته است و در هر دو تعبیر کنایی وجود دارد: «سببودن» (از جنس
سفال بودن) کنایه از بی خاصیت بودن و نداشتن قدرت عمل و واکنش نسبت به فرد مقابل
و «نان خشک خوردن» کنایه از راضی بودن به حداقل خورد و خوراک و امکانات زندگی.
این دو مثل نیز مانند طیفی از مثل ها به مناسب نبودن دوزنه بودن مرد اشاره دارد و اینکه
حس عمومی زنان نسبت به هوو منفی بوده و زن دوم شوهر برایشان خوشایند نیست و زنان
حاضرند با هر سختی و مشکلی در زندگی کنار بیایند مگر با داشتن یک هوو در کنار خود.

مثل فارسی: نه هر زنی بدو گز مقنعه است کدبانو - نه هر سری به کلاهی سزای

سالاریست. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۸۵۹)

مثل کُردی: نه وهی هه ر ضنطه موویه کی به سه ره وه بی ، به ذن حیساب ناکری. (Ewey
(her çinge mûyekî beserewe bê, be jin hîsab nakrê) «هر کسی موی بلند داشته
باشد، زن به حساب نمی آید.» (موحه مه دی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۸)

کدبانو بودن زن صرفاً با داشتن نشانه های ظاهری یک زن (مانند مقنعه یا موهای بلند) محقق
نمی شود؛ بلکه فرد باید از جوهره و هنر کدبانویی برخوردار باشد. ظاهراً مثل فارسی بیتی از
پادشاه خاتون یا صفوة الدین بانوی شاعره و از حکمرانان قراختائی کرمان است (فخری هروی
و سحر کاکوروی، ۱۳۹۲: ۴۳). مثل کُردی با مصرع اول مثل فارسی تطابق دارد و مصرع دوم
خارج از این موازنه قرار دارد؛ هر چند درون مایه آن متفاوت نیست. می توان این مثل ها را در
زمره امثالی به حساب آورد که در تکریم زنان بیان شده اند.

مثل فارسی: زنان چون ناقصان عقل و دین‌اند - چرا مردان ره آنان گزینند.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۱۹)

مثل گُردی: ذن ترسی ثیبکه، به‌لام و هک نه‌لقه به‌طوی مه‌که. (Jin pirsî pêbke, bellam)

wek ellqe begwê meke) «از زن نظر بخواه؛ اما به حرفش گوش نده.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴:

(۱۳۷)

هر دو مثل نگاه منفی سنتی نسبت به زنان را بازتاب می‌دهند. مثل فارسی از حیث فن معانی نوعی استفهام توییخی است که مردان را از تبعیت زنان باز می‌دارد. مثل کردی نیز شامل یک امر و یک نهی است که هر دو (هم امر و هم نهی) از حیث فن معانی بر معنای ثانویه ارشاد استوارند. امر به مشورت ظاهری با زنان (جهت به‌دست آوردن دل آن‌ها) و نهی از عمل کردن به نظر آن‌ها است. مثل کردی محافظه‌کارانه است و نوعی رفتار غیرصادقانه با زنان را توصیه می‌کند؛ اما مثل فارسی صریح و بی‌ملاحظه بیان شده است.

مثل فارسی: کدخدا رود بود و کدبانو بند. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۱۹۶)

مثل گُردی: ذن به‌ناس و ثیاو کریکار. (Jin benas wipyaw krêkar) «زن بناست و مرد

کارگر.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۷۱۰)

در مثل فارسی بین کلمات «رود و بند» و در مثل کردی بین «کارگر و بنا» تناسب وجود دارد. در هر کدام از دو مثل، دو تشبیه بلیغ اسنادی به کار رفته است. در مثل فارسی زن به بند تشبیه شده؛ یعنی سدی که در مسیر رود بسته می‌شود و آبی را که رود می‌آورد، نگه می‌دارد. کدخدا و کدبانو هر دو ترکیبات مقلوب هستند؛ صاحب خانه و بانوی خانه. هر دو مثل بیان‌گر آن است که مرد کار می‌کند اما زن خانه را می‌گرداند و بنای بنای زندگی است. برخلاف طیف قابل توجهی از ضرب‌المثل‌های مفهوم کلی این دو ضرب‌المثل برتری جایگاه و کارکرد زن نسبت به مرد است.

ضرب‌المثل فارسی با اندک تفاوت در قابوس‌نامه آمده است. آنجا که می‌گوید: «از دست زن باددست و زفان‌دار و ناکدبانو بگریز که گفته‌اند که: کدخدای رود باید و کدبانو بند.» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۳۰)

ضرب‌المثل‌های مشابه

گروهی از ضرب‌المثل‌ها با داشتن ساختار مشابه، مضمون مشترکی را بیان می‌کنند؛ مثل‌هایی که از جهت فرم و ساختار، یعنی واژگان تشکیل‌دهنده مثل و ترتیب چینش واژگان و شکل بیان تفاوت نسبی و جزئی دارند، اما درعین‌حال معنای مشابه و مفهوم یکسانی را بیان می‌کنند. چه بسا ممکن است که امثال مشابه و امثال همسان (که در ادامه مطرح خواهد شد) در اصل تعلق به یکی از دو زبان فارسی یا کردی داشته باشد اما به جهت ارتباط نزدیک و مداوم میان این دو جامعه زبانی به‌مرورزمان جامعه زبانی دوم نیز عین همان مثل را با تغییرات جزئی (در الفاظ و سنخ تعبیرات و احیاناً افزودن یا کاستن برخی معانی) اخذ کرده و به کار برده‌اند. از این رهگذر، بعید نیست که برخی از مثل‌های همسان نتیجه گرده‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی از زبان فارسی به کردی یا عکس آن باشد.

به هر صورت، در مثل‌های مشابه قرابت‌ها بیش از تفاوت‌هاست. به‌نحوی که تفاوت دو مثل فارسی و کردی در یک یا دو واژه و در موارد نادر در چند واژه است؛ به‌نحوی که این واژه‌های متفاوت نیز به‌نوعی مترادف بوده یا اینکه قرابت معنایی دارند. نمونه‌های زیر از این قبیل است:

مثل فارسی: وفا از زن مخواه از سگ وفا جوی. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۸۸۹)

مثل کردی: سەط وەفای هەس، ذن وەفای نییە. (Seg wefay hes, jin wefay nîye)

«سگ وفا دارد، زن وفا ندارد.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۳۶۳)

به نظر می‌رسد، مثل فارسی مصرعی از یک بیت باشد. چون دارای وزن عروضی است؛ مفاعیلن مفاعیلن فعولن. در مثل فارسی از جملات انشایی، نهی و امر، در معنای ثانویه ارشاد استفاده شده است و مثل کردی از جملات خبری در معنای ثانویه تأکید بهره گرفته است. مثل فارسی رساتر است؛ چون موضوع اصلی آن در اول آمده است. تکرار کلمه وفا در هر دو نیز نشان از اهمیت آن دارد.

این ضرب‌المثل‌ها ریشه در ذهنیت منفی سنتی نسبت به زنان در غالب جوامع پیشین دارد. چنان‌که در ادبیات رسمی نیز نشانه‌های این ذهنیت دیده می‌شود؛ فخرالدین اسعد گرگانی بی‌وفایی را ذات زنان دانسته و می‌گوید: چون نقش وفا و عهد بستند - بر نام زنان قلم شکستند (اسعد گرگانی نقل از دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۶۹۱) و نظامی وفا را از زبان مریم چنین توصیف می‌کند: وفا مردی است برزن چون توان بست - چون زن گفتم بشوی از مردمی دست (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

مثل فارسی: مثل زن سلیطه که نه نگاه توان داشت و نه رها توان کرد. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۴۴۳)

مثل کردی: ئەولادی خراث وەک طونی قورە ئەبیری وەئ، ناییری وەئ. (Ewladî xrap
(wek gunî qorre eybrî wey , naybrî wey) «اولاد خراب را نه نگاه توان داشت

و نه رها توان کرد.» (موحه‌م‌دی، ۱۳۹۴: ۱۷۰۴)

هر دو مثل بیانگر مشکل و مسئله‌ای است که نه می‌توان برایش راه‌حل پیدا کرد و نه می‌توان نادیده گرفت. یعنی مشکلی که راه‌حلی جز تحمل و مدارا ندارد؛ همانند استخوانی که در گلو گیر کرده باشد، نه می‌توان آن را قورت داد و نه می‌توان درآورد. در هر دو مثل قید نفی «نه» دو بار به کار رفته که تأکید و تأثیر آن را بیشتر می‌کند.

این مفهوم در برخی دیگر از مثل‌ها و پاره‌ای از متون ادب فارسی آمده است. مانند «از سه چیز باید حذر کرد: دیوار شکسته، زن سلیطه، سگ گیرنده» (جمشیدی‌پور، ۱۳۴۷: ۱۹). همچنین «زن... شرمناک و کوتاه‌دست و کوتاه‌زبان و چیزنگاه‌دارنده باید که باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۲۹)

مثل فارسی: زن نیک، عافیت زندگانی بود. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۷)

مثل گُردی: ذنی ضاک ذیانهُ، ذنی خراث ذانهُ. (Jnî çak jyane, jnî xrap jane) «زن خوب زندگی است، زن بد درد.» (موحه‌مه‌دی، ۱۳۹۴: ۱۶۳۲)

هر دو مثل دلالت بر یک مفهوم دارند با این تفاوت که مثل فارسی صرفاً متضمن نگاه مثبت و ایجابی است و تنها از زن نیک بحث می‌کند اما مثل گُردی تلفیقی از نگاه مثبت و منفی است؛ یعنی در آن هم از زن خوب و هم از زن بد سخن به میان آمده است. می‌توان گفت در هر دو از تشبیه بلیغ اسنادی استفاده شده است. در مثل فارسی ایجاز به کار رفته و صفت زن بد که در تقابل با زن خوب است به مصداق «تعرف الاشیاء باضدادها» در ضمن آن قابل دریافت است. مثل کردی از آن جهت که زن خوب را عینِ زندگی و زن بد را عینِ درد به حساب آورده رساتر و پرمایه‌تر جلوه می‌کند.

مثل فارسی عیناً در قابوس‌نامه آمده است و از کلام صاحب قابوس‌نامه چنین برمی‌آید که این مثل در زمان او متداول بوده است. چنان‌که می‌گوید: «زن پاک‌روی و پاک‌دین باید... و چیزنگاه‌دارنده باید که باشد تا نیک بود که گفته‌اند که: زن نیک عافیت زندگانی بود.» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۲۹)

مثل فارسی: مرد دوزنه دم خوش نمی‌زنه! (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۶۲۸)

نظیر: جای مرد دوزنه در مسجد است.

مثل گُردی: ثباوی دوو ذنه جه‌رطی کون کونه. (Pyawî dû jne cergî kun kune)

«مرد دوزنه جگرش سوراخ سوراخ است.» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۶۶)

بخش اول دو مثل، با تفاوت در واژگان معادل جایگزین در دو زبان، یکسان است اما در بخش دوم هرکدام از دو مثل از تعبیر کنایی متفاوت استفاده شده است: «دم خوش نمی‌زنه» و «جگرش سوراخ سوراخه» هر دو در معنای کنایی ناراحتی و گرفتاری سخت و پیوسته آمده است. این دو مثل متشکل از جمله خبری هستند اما از منظر علم معانی ثانویه هشدار و تحذیر دارند و نوعی دعوت به پرهیز از داشتن دو زن است. یعنی خبر در معنای تحذیر آمده و لازم فایده خبر (معنای ثانویه خبر) از آن اراده شده است.

مثل فارسی: عروسی را که مادرش تعریف کند، برای آقادی‌اش خوب است.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۰۹۹)

مثل گُردی: کضیک دایکی تاریفی بکا، ده‌بی ماله خالی بیخوازن. (Kçêk daykî tarîfî)

(bka , debê malle xallî bîxwazn) «دختری که مادرش تعریفش بکند، باید خانه

دایی‌اش او را خواستگاری کنند.» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۳۰۳)

هر دو مثل بر این نکته تأکید دارند که تعریف مادر از دختر خیلی قابل استناد نیست؛ چون هیچ‌کس نمی‌گوید که دوغ من ترش است؛ به گفته سعدی: «همه‌کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۵۷). در امثال عربی در این مضمون آمده:

من یمدح العروس إلا أهلها (ثعالبی، بی تا: ۲۱۵)

میان این دو مثل مشابهت کامل مشهود است جز اینکه در مثل فارسی «عروس» (به دلالت مجاز به علاقه مایکون) و در مثل کردی «دختر» ذکر شده است و دیگر آنکه در مثل فارسی موضوع خواستگاری به صراحت ذکر نشده است.

مثل فارسی: زن مُرده را زَنش ده، زن طلاق را آنش ده. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۵)

مثل کُردی: ذن به‌دهه به ذن مردط، طا به‌دهه طا مردط. (Jin bede be jin mirdig , ga

bede ga mirdig) «زن بده به زن مُرده، گاو بده به گاو مُرده.» (رُخزادی، ۱۳۸۲: ۴۳۵)

در کل، هر دو مثل دربردارنده درون‌مایه واحدند و مضمونی تقریباً مشابه دارند. در مثل فارسی دو مفهوم متفاوت و درعین حال مرتبط، در یک ساختار مشابه بیان شده ولی در مثل کردی دو مفهوم نه‌چندان مرتبط با یک ساختار مشابه آمده است. در مثل فارسی جابه‌جایی ضمیر (رقص ضمیر) وجود دارد. کلمات «ان» و «زن» قافیه‌اند و کلمه «ده» ردیف. ساختار هر دو مثل انشایی است که در معنای ثانویه ارشاد آمده است. مفهوم کلی آن است که مرد زن مُرده قدر زن می‌داند و می‌تواند همسر خوبی برای زن دوش باشد اما مردی که زن طلاق داده این‌طور نیست.

مثل فارسی: گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته‌اند. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۳۲۰)

مثل کُردی: ذن ومیرد، ئاووطلیان له جیطایه‌ک هه‌طیراوه. (Jin û mêrd , awugillyan

le cêgayek hellgîrawe) «زن و شوهر آب و گلشان از یک جا برداشته شده است.»

(فتاحی‌قازی، ۱۳۶۴: ۲۳۱)

تنها تفاوت این دو مثل تفاوت یک جزء در محور جانپوشی است؛ در مثل فارسی کلمه «تغار» به کار رفته و به‌جای آن در مثل کُردی «یک جا» آمده است. در هر دو مثل مجاز به کار رفته است؛ کلمه «گل» مجاز به علاقه ما کان است یعنی اسم و حال و صفت سابق

(آب و گل) گفته شده و وضع کنونی (بدن) اراده شده است. از این مثل هم در موارد مثبت استفاده می‌شود و هم منفی.

از این مثل‌ها نگاهی انسانی و عدالت‌خواهانه نسبت به حقوق مرد و زن قابل استنباط است. (ملکی، ۱۳۹۱: ۱۴۳) مفهوم تساوی در آفرینش زن و مرد در هر دو مثل وجود دارد و اینکه، تفاوت‌هایی که از لحاظ جایگاه و قدرت بین زن و شوهر وجود دارد نه به ذات و شخصیت آن‌ها، بلکه به نقش و وظایف آن‌ها مربوط می‌شود که خود متأثر از فرهنگ جامعه آن‌هاست (محمد پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲).

مفهوم مثل‌ها را می‌توان با مضمون آیه «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (نور: ۲۶)» مقایسه کرد.

مثل فارسی: زن خوب مرد را به دولت می‌رساند و زن بد مرد را خانه‌خراب می‌کند.
(شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۳)

مثل کُردی: ذن ئیاو ده‌کاته ئیاو ، و له‌ئیاوئه‌تیشی ده‌خات. (Jin pyaw dekate pyaw , û lepyawetişî dexat)

«زن مرد را مرد می‌کند، از مردی هم می‌اندازد.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۲۷۶)

در مثل فارسی زن خوب و زن بد از هم جدا شده‌اند و با هم در تقابل هستند اما در مثل کردی کلمه زن در ظاهر به هیچ صفتی مقید نشده اما تقابل زن خوب و بد در مفهوم آن نهفته است؛ زن در خود این توانایی را دارد که مرد را بسازد یا او را از مردی بیندازد. مثل‌ها تداعی‌کننده حدیث «من سعادة المرء الزوجة الصالحة» (الکافی ۳۲۷: ۵) هستند و تأثیر بسیار زن بر کیفیت زندگی و شخصیت مرد را بیان می‌دارند.

در هرکدام از مثل‌ها دو تعبیر کنایی متناظر وجود دارد: تعبیر «به دولت می‌رساند» متناظر است با «مرد را مرد می‌کند» و تعبیر «خانه‌خراب می‌کند» متناظر است با «از مردی می‌اندازد».

مثل فارسی: زن راضی و مرد راضی گور پدر قاضی. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۴)

مثل گُردی: ذن رازی و میرد رازی / ناضنه لای مام قازی. / (Jin razî û mêrd razî)
(naçne lay mam qazî) «زن راضی و مرد راضی نزد عمو قازی^۱ نمی‌روند.»

(موجه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۲۷۹)

تکرار آوای «ز» و کلمه «راضی»، وجود سجع متوازی بین کلمات «راضی» و «قاضی» و سجع متوازن بین «زن» و «مرد» و تکرار موجود در هر دو مثل آن‌ها را در سطح موسیقایی گوش‌نواز کرده است. ترکیب «گور پدر» یک ترکیب عامیانه است و در زبان ادبی و رسمی با این مفهوم کاربرد ندارد. مفهوم حاصل آن است که در یک ماجرای زن و مرد راضی باشند دیگر مجالی برای دخالت دیگران نیست. دو مثل به قدری به هم شبیه‌اند که گمان می‌رود یکی برگرفته از دیگری باشد.

^۱ ملا قازی ظاهراً ملایی بوده که مردم بسیار به او اعتماد داشته‌اند و او را احترام نگه‌داشته‌اند. در متن

مثل گُردی همچنین مام آمده است که در گُردی به معنی عمو است.

مثل فارسی: زن از پهلوی چپ شد آفریده- کس از چپ راستی هرگز ندیده.

(دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۱)

مثل گردی: زن له ئه‌راسوی ضه‌ث دروستکراوه ، راستی وه‌که‌ی ئه‌شکی. (Jin le perasûy çep drustikrawe, rastî wekey eşkî) «زن از پهلوی چپ آفریده شده

از چپ کسی راستی ندیده.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۰)

تقریباً تنها تفاوت دو مثل آن است که مثل فارسی به نظم است و مثل گردی به نثر است. بنابراین در محور هم‌نشینی مثل فارسی به واسطه ضرورت شعری و رعایت وزن و قافیه تقدم و تأخر وجود دارد.

بنا بر نظر دهخدا مثل فارسی بیتی از «یوسف و زلیخای» جامی است. (رک: دهخدا، ۱۳۲۹:

۹۲۱) این بیت تلمیحی است به نحوه آفریده‌شدن زن مطابق برخی روایات.

مثل فارسی: زن نداری غم نداری. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۷)

مثل گردی: نه‌وه ذنی نینه ض خه‌م نینه . (Ewe jnî nîyne çî xem nine) «هر کس زن

ندارد هیچ غمی ندارد.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

ضرب‌المثل فارسی دو لختی موزون است و وزن عروضی دارد. بین کلمات زن و غم هم سجع متوازن وجود دارد. هر دو مثل دلالت بر یک مفهوم دارند تنها با این تفاوت که در مثل گردی کلمه «هرکس و هیچ» آمده که در مثل فارسی نیامده، همچنین مثل فارسی خطاب به شنونده است در حالی که مثل گردی توصیفی است.

زن مایه غم و اندوه مرد تلقی شده این امر به کرات در امثال بیان شده مانند «زن بگیر تا جانت را بگیرد» (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۲) و «غم نداری، زن بگیر» (همان: ۵۲۹).

مثل فارسی: زنی که جهاز ندارد این همه ناز ندارد. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۳۶)

مثل کُردی: ئه‌وی کو ض شیانه‌ک نینه، ئیدی ئاخافتنا وی ضییئه . (Ewî ku çî şyanek)
«آن کسی که جهاز نیاورده این سخنانش برای چیست.»
(علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

در مثل فارسی میان «جهاز» و «ناز» سجع مطرف برقرار است و در آن جمله خبری معنای ثانویه تحقیر دارد. در مثل کُردی نیز استفهام در معنای ثانویه توبیخ و تحقیر آمده است. در نگاه عرفی جامعه سنتی کُردی و ایرانی فقدان جهیزیه باعث پایین آمدن ارزش و منزلت زن در خانواده می‌شود.

مثل فارسی: زن بلا باشد به هر کاشانه‌ای - بی‌بلا هرگز مبادا خانه‌ای. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۱)
مثل کُردی: ذن به‌لایئه بؤ هئر ماله‌کی بی به‌لأ نه‌که . (Jin bellaye bo her mallekî bê bella neke)

«زن بلاست برای هر خانه‌ای خدایا هیچ خانه‌ای را بی‌بلا نکن.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)
هر دو مثل لحن دعایی دارند اما در مثل فارسی خطاب دعا مستقیم نیست. در مثل کُردی جمله امری است که در معنای ثانویه دعا آمده است. این بیت که مضمون آن معروف است از سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) است (گیلانی، ۱۳۸۵: ۳۷۳ - ۳۷۵)؛ البته کاربرد این مثل در زبان فارسی بیشتر جنبه مثبت دارد.
هر دو مثل تصویری خاکستری (هم مثبت و هم منفی) از زن به نمایش می‌گذارند. (رک: ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). اما در حالت کلی تصویری مثبت ارائه می‌دهند و بر ناگزیر بودن وجود زن در هر خانه‌ای صحه می‌گذارند.

مثل فارسی: زن خوب و فرمانبر و پارسا - کند مرد درویش را پادشا. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۴)

مثل کُردی: ذنا باش میری فه‌قیر ده‌وله‌مه‌ن دکه‌ت . (Jna baş mêrî feqîr dewllemen .

dket) «زن خوب مرد فقیر را ثروتمند می‌کند.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

هر دو مثل بر نقش کلیدی زن در مدیریت اقتصاد خانواده تأکید دارند. در مثل فارسی معیارهای زن «خوب و فرمانبر و پارسا» بیان شده حال آنکه در مثل کُردی فقط صفت «خوب» آمده است. در مثل فارسی که بیتی از بوستان است (سعدی، ۱۳۸۷: ۳۲۱) سعدی از آرایه تنسیق الصفات و کنایه بهره برده و صفات یک زن ایدئال را خلاصه و موجز به تصویر کشیده است. بنابراین مثل فارسی ساختار ادبی دارد اما مثل کُردی به زبان ساده و بی‌آلایش بیان شده است.

مثل فارسی: زن سلیطه شوهر مرد است. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۵)

مثل کُردی: ذنا ب‌حه‌یا میرنه‌ شیتی. (Jna b' heya mêrne şîfî) «زن بی‌حیا مردی برای

شوهرش نگذاشته است.» (علوی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

مثل فارسی و مثل کُردی هر دو به این امر اشاره دارد که زن سلیطه (زبان‌دراز و فتنه‌انگیز) از نظر قدرت نفوذ و میل به تسلط، با مردان برابر است، بلکه بر مردان فائق است. البته در امثال فارسی دیگری نیز این مفهوم دیده می‌شود. مانند: «زن که فائق بود بر شوهر به معنی شوهر است» (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۵). هر دو مثل حالت متناقض‌نما دارد. این حالت در مثل فارسی پررنگ‌تر است.

سعدی در گلستان متناسب با مضمون این ضرب‌المثل‌ها درباره خود حکایتی می‌آورد که در سرزمین شام اسیر صلیبیان فرنگ شده و در طرابلس او را به کار گِل واداشته‌اند. در این هنگام ناگاه یکی از بزرگان حلب او را دیده و شناخته و از قید اسارت رها کرده و در عوض دختر سلیطه و بدخوی خود را به عقد او درآورده است: «بر حالت من رحمت آورد و به ده دینار

از قیدم خلاص کرد و با خود به حلب برد و دختری که داشت به نکاح من درآورد به کابین، صد دینار.

مدتی برآمد. بدخوی ستیزه‌روی نافرمان بود؛ زبان‌درازی کردن گرفت و عیش مرا مُغَصَّ داشتن.

زن بد در سرای مرد نکو هم در این عالم است دوزخ او»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۸۵)

مثل فارسی: آفرین به شیری که خورده. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۴۰)

مثل کردی: ره‌حمه‌ت له دایکه شیری نیداوی. (Rehmet le dayke şîrî pêdawî)

«رحمت بر مادری که به او شیر داده است.» (موحه‌مده‌دی، ۱۳۹۴: ۱۷۵۴)

در زبان فارسی این مثل صورت‌های کاربردی دیگری نیز دارد؛ مثل «رحمت به شیری که خوردی» یا «رحمت به اون مادری که بهت شیر داد» یا «شیری که خوردی، حلالیت باشد». در مثل فارسی «شیر» را گفته اما مجازاً صاحب شیر (مادر) را اراده کرده است. اما در مثل کردی شیوه بیان ساده است. هر دو مثل بر اهمیت نقش و جایگاه مادر در صالح و درست‌کار بار آمدن فرزند دلالت دارند.

مثل فارسی: اسب و زن و شمشیر وفادار که دید. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۱۶۹)

مثل کردی: ذن وئه‌سه‌ث و ضه‌ک به‌قایان نییه. (Jin û esp û çek beqayan nîye) «زن

و اسب و چک وفا ندارند.» (موحه‌مده‌دی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۱)

مثل فارسی بر سیاق استفهام انکاری است و در مثل کردی خبر معنای ثانویه تأکید دارد. دو مثل با داشتن مشابهت کامل تنها تفاوتشان صرفاً در محور جانشینی است، دو کلمه جانشین در مثل فارسی و کردی، به ترتیب «شمشیر» و «چک» است. با توجه به اینکه واژه «چک» کلمه دخیل و جدیدی است. احتمال دارد، مثل کردی برگرفته از مثل فارسی با اندکی تغییر باشد.

همسان

دسته‌ای از ضرب‌المثل‌ها در زبان فارسی و کردی به جهت برخورداری از ساختار همسان (یکسان)، مضمون واحدی را بیان می‌کنند. این مثل‌ها از جهت فرم و ساختار؛ یعنی واژگان تشکیل‌دهنده مثل و ترتیب چینش واژگان و شکل بیان تفاوتی ندارند. بنابراین به‌طور طبیعی مفهوم واحدی از آن‌ها مستفاد می‌شود. در این دسته از امثال احتمال اینکه یکی از مثل‌ها نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری از زبان دیگر باشد، به مراتب بیشتر از دو دسته پیشین است. نمونه‌های زیر از این قبیل است:

مثل فارسی: خانه‌ای را که دو کدبانوست خاک تا زانوست. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۷۱۳)

مثل کردی: خانووی دوو که‌بیانوو ، خولی ته‌ئه‌ذنۆیه . (Xanûy dû keybanû, xolî)

(te ejnoye) «خانه‌ای را که دو کدبانوست خاک تا زانوست.» (موحه‌مه‌دی، ۱۳۹۴: ۱۸۵۴)

از منظر شکل ادبی مثل فارسی دو پاره موزون است که هم ردیف دارد و هم بین کلمات کدبانو و زانو هماهنگی و سجع متوازی برقرار است. تکرار مصوت بلند «آ» نیز در آهنگین‌کردن آن تأثیر دارد. در محور هم‌نشینی هر دو مثل، کلمه خانه جهت تأکید بر دیگر کلمات مقدم شده است. این ضرب‌المثل به اصل «تزام» اشاره دارد. دو کدبانو سلاقی و نظرات و توانایی‌های متفاوتی دارند و هر یک از آنان می‌خواهند بر مبنای دیدگاه خود عمل کنند. در نتیجه التزام و اختلاف پیش می‌آید و کارها سامان نمی‌یابد؛ مثل همین خانه‌ای که دو کدبانو دارد ولی در آن خاک تا زانو می‌رسد.

این مثل خوب نبودن دو زن هم‌زمان را بیان می‌دارد که در امثال فارسی، بسیار مشابه این مثل یافت می‌شود مانند «جای مرد دوزنه در مسجد است» (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۲۶) و «یک زن خوب مرد را کافی است - بیش از این هم نمی‌شاید - از یکی بیش اگر بخواهی زن

— به جز اندوه و غم نمی‌زاید» (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۷۶۸) و بسیاری مثل‌های دیگر. اما علت این امر با توجه به سایر امثالی که در باب ازدواج مرد بیان شده نفس زن دوم گرفتن نیست بلکه دردرسازبودن وجود هم‌زمان دو زن در زندگی یک مرد است (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۶). این مثل‌ها در مفهوم موسّع خود قابل قیاس است با مثل «آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.» (دهخدا، ۱۳۲۹: ۳۶) نیز با مفهوم این آیه که می‌فرماید: لو کان فیهما ءالہٗ الا اللہ لفسدتا؛ اگر در آسمان و زمین جز الله خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند نظام جهان به هم می‌خورد» (انبیاء، ۲۲).

مثل فارسی: در میان زن و شوهر میانگی مکنید. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۷۹۷)

مثل کردی: لہبہین ذن و شووی دہخالہت مہکن. (Lebeyn jin û şûy dexalet)

(meken) «در میان زن و شوهر میانگی مکنید.» (موحه‌م‌دی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۲)

هر دو مثل به صورت انشایی بیان شده و مخاطب را از میانگی کردن و دخالت در حل اختلاف زن و شوهر باز می‌دارد. مشابه این مفهوم مثلی در زبان فارسی هست که می‌گوید «زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند»؛ چون این اختلاف دوامی ندارد و چه بسا ممکن است بعد از آشتی کردنشان فرد میانجیگری کننده مورد سوءظن واقع شود و متهم گردد.

مثل فارسی: مادر را ببین، دختر را بگیر. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۶۱۱)

مثل کردی: دایکہ ببین ودوتی بخوازہ. (Dayke bbîn û dutê bixwaze) «مادر را ببین،

دختر را بگیر.» (فتاحی‌قازی، ۱۳۶۴: ۱۵۶)

هر دو مثل وجه امری دارند، اما معنای ثانویه ارشاد بر آن‌ها مترتب است، دارای وزن عروضی هستند و بین کلمات آن‌ها سجع متوازن وجود دارد. در محور هم‌نشینی جابه‌جایی

رخ نداده و ترتیب نحوی جمله رعایت شده است. این مثل به جامعه‌پذیری و نقش‌پذیری دختران از سوی خانواده و به‌ویژه از سوی مادر اشاره دارد (ملکی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). یعنی اخلاق و رفتار دختران را می‌توان از روی اخلاق و رفتار مادرشان سنجید. پیام ضرب‌المثل‌ها این است که برای انتخاب همسر و شریک زندگی، شناخت خصوصیات اخلاقی و رفتاری مادر او شرط اساسی است.

همسان‌بودن این دو مثل و موارد مشابه آن‌ها در زبان فارسی و کردی اشتراکات عمیق در فرهنگ خانواده و راه و رسم ازدواج در میان فارسی‌زبانان و کردزبانان را نشان می‌دهد.

مثل فارسی: زن تا نژاید بیگانه است. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

مثل کردی: ذن تا نئزیت بیطانئیه. (Jin ta nezêt bêganeye) «زن تا نژاید بیگانه است.»
(موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۲۷۸)

این مثل وظیفه اصلی زن را فرزند آوردن می‌داند و از امثالی است که بسته‌بودن حوزه فعالیت‌ها و مسئولیت‌های زنان را در جوامع سنتی مشخص می‌سازد. در این‌گونه ضرب‌المثل‌ها محدوده عملکرد مردان و زنان متمایز شده است. مطابق این رویکرد مردان سعی می‌کنند تا موقعیت برتر اجتماعی و اقتصادی خود را با محدودکردن حوزه فعالیت زن به مسائل درون خانواده حفظ نمایند (کیخایی و سیاوشی، ۱۳۹۲: ۳).

مثل فارسی: زن و شوهر جنگ کنند ابلهان باور کنند. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۷)

مثل کردی: ذن و میرد شه‌ر ئه‌که‌ن، ئه‌بله باوه‌ر ئه‌که‌ن. (Jin û mêrd şerr eken, eblle)
(bawerr eken)

«زن و شوهر جنگ کنند، ابلهان باور کنند.» (موحه‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۲۸۲)

ظاهراً هر دو مثل نزاع و جدال زن و شوهر را به کلی نفی می‌کنند ولی از منظر علم بیان و به دلالت کنایی معنای مدنظر آن است که هرچند ممکن است زن و شوهر دعوا و مرافعه داشته باشند اما معمولاً اختلاف آن‌ها دیر نمی‌پاید و به آشتی و صلح می‌انجامد.

مثل فارسی: شیر که از بیشه درآمد، نر و ماده ندارد. (شکورزاده، ۱۳۷۴: ۴۸۸)

مثل گُردی: شیر لَه هیلانئِی هائَه دَه‌ری ، ض نیر وض می . (Şêr le hêlaney hate derê, çi nêr wi ç mê)

«شیر که از بیشه درآمد، نر و ماده ندارد.» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۲۶۹)

این ضرب‌المثل‌ها از منظر بلاغی استعاره تمثیلی و تشبیه مرکب‌اند و در آن‌ها این مفهوم که «فردی که ذاتاً جربزه و شهامت و قابلیت دارد مرد و زن بودنش فرق نمی‌کند» به «عدم تفاوت شیر نر و شیر ماده در رویارویی با خطرات بعد از خروج از بیشه» تشبیه شده است.

در فولکلور گُردی زن گُرد همیشه در میدان نبرد، در رابطه با مشکلات زندگی و در مواقع جنگ و درگیری با دشمنان، مایه افتخار شمرده شده است (محمد پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳) و این تلقی ریشه در سبک زندگی و تجربه تاریخی قوم کرد دارد.

مثل فارسی: زن پارسا در جهان نادر است. (دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۲۲)

مثل گُردی: ذن تاك لَه دنیادا كه‌مه. (Jin pak le dinyada keme) «زن پارسا در جهان نادر است.» (سجّادی، ۱۳۶۹: ۳۰۲)

دو مثل همانند چند مورد پیشین تا به حدی با هم مطابقت دارند که ناخودآگاه در مظنه ترجمه و گرت‌برداری یکی از دیگری قرار می‌گیرند. هر دو مثل تأکید دارند که زن پارسا در دنیا کم است. ضرب‌المثل‌های دیگری نیز وجود دارند که بر همین باور دلالت دارند. (برزگر،

۱۳۸۹: ۵۲). پاره‌ای از ضرب‌المثل‌ها پا را از این حد نیز فراتر گذاشته‌اند و زن پارسا را هم در حد کمال و کما هو حقّه قابل اعتماد و اعتنا تلقی نکرده‌اند. (رک: دهخدا، ۱۳۲۹: ۹۱۹).

نتیجه‌گیری

به دلیل پیوندهای استوار تاریخی، فرهنگی و دینی، و زمینه‌های زیست مشترک، و قرابت جغرافیایی و فراهم‌بودن امکان ارتباط و تعامل بیشتر، مضامین مشترک میان امثال و حکم کردی و فارسی بالأخص در موضوع زن و خانواده از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد، بخش قابل توجهی از این اشتراکات از سنخ توارد بوده باشد. بالطبع این ظن در مورد ضرب‌المثل‌های متفاوت قوی‌تر است و در مورد ضرب‌المثل‌های مشابه حالت بینابین دارد. بخش دیگری از اشتراکات نیز می‌تواند محصول تأثیر و تأثر متقابل ادبیات فولکلور کردی و فارسی بوده و به دیگر سخن نتیجه اقتباس و تقلید یکی از این دو جامعه زبانی از دیگری باشد. ظن اخیر در خصوص ضرب‌المثل‌های همسان قوی‌تر می‌نماید.

به دلیل اینکه مثل‌های همسان از جهت فرم و ساختار، یعنی واژگان تشکیل‌دهنده مثل و ترتیب چینش واژگان و شکل بیان تفاوتی ندارند و به تبع آن مفهوم واحدی از آن‌ها مستفاد می‌شود، احتمال اینکه یکی از مثل‌ها نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری از زبان دیگر باشد، به مراتب بیشتر از مثل‌های مشابه و متفاوت است، اما به جهت فقدان اسناد و مدارک تاریخی متقن در باب پیشینه این مثل‌ها نمی‌توان در این مورد به دآوری درست و قابل‌اعتمادی رسید.

بعید نیست که برخی از امثال مشابه نیز در اصل به یکی از دو زبان فارسی یا کردی تعلق داشته باشند، اما به جهت ارتباط نزدیک و مداوم میان این دو جامعه زبانی به‌مرورزمان جامعه زبانی دوم نیز همان مثل را با تغییرات جزئی در الفاظ و سنخ تعبیرات و احیاناً افزودن یا کاستن برخی معانی، اخذ کرده و به کار برده باشند.

تعدادی از مثل‌های فارسی مطرح در این جستار در اصل بیت یا مصرعی از یک شاعر مشهور یا جملائی از یک نویسنده شناخته شده است که در اثر اقبال عام و کثرت استعمال به صورت مثل درآمده‌اند؛ حال آنکه این بسامد در امثال کردی چندان ملموس نیست.

به‌طور کلی، مثل‌های فارسی صبغه ادبی بیشتری دارند و صور خیال نسبتاً پیچیده و احیاناً درهم‌تنیده در آن‌ها مصادیق قابل توجهی دارد. از این‌رو، در مثل‌های فارسی به‌ندرت با فقدان تصویر یا فقر تصویر مواجهیم. در مقابل مثل‌های کردی صمیمی و روان و دلنشین‌اند و در آن‌ها تصویرها ساده و ملایم و غالباً از سنخ تصویرهای رایج در ادبیات عامیانه است و در عین حال موارد فاقد تصویر کم نیست. در امثال کردی فنون بلاغت اعم از فنون معانی و فنون بیان و مصادیق معانی ثانویه کلام نسبت به مثل‌های فارسی ظهور و بروز کمتری دارد. مردمان هر دو فرهنگ غالباً مسلمان هستند و در آیات قرآن و احادیث اسلامی زن و مرد هر کدام در جایگاه خود تکریم شده‌اند، بنابراین ریشه این نگاه تحقیرآمیز به زن را نمی‌توان در عقاید دینی جست‌وجو کرد. علت این امر را می‌توان در برخی سنن و ادراکات نادرست منبعث از مناسبات مردسالاری دانست که در نهادها، قوانین، احکام و عادات اجتماعی نهادینه شده است (حجازی، ۱۳۸۱: ۱۸) و تردیدی نیست که غلبه بی‌سوادگی در زنان و فقر فرهنگی از مهم‌ترین عوامل آن است. بنابراین در هر دو حوزه فرهنگی در مقایسه تعداد زنان و مردان نقش‌آفرین در جامعه مانند نویسندگان، سیاستمداران، شاعران مشاهده می‌کنیم که تعداد زنان در این حوزه‌ها بسیار کمتر از مردان است. بنابراین می‌توان انتظار داشت در ادبیات شفاهی حاکم بر فرهنگ‌های مذکور نیز این امر نمود پیدا کند.

اما در مقابل نگاه‌های تحقیرآمیزی که کم‌وبیش وجود داشته است، یک طیف از نگرش توأم با تکریم نسبت به زن نیز به‌وضوح مشهود است، که در رأس آن اهمیت‌دادن به جایگاه مادر و نقش اصلی او در پیکره خانواده، در هر دو حوزه فرهنگی است و این امر ریشه در

تعالیم دینی اسلام و تکریم جایگاه مادر در آن دارد و از جمله نمودهای بارز آن حدیثی از پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۸). از حیث جامعه آماری، باید گفت در این نوشتار با مراجعه به منابع اصلی دربردارنده امثال و حکم فارسی و کُردی، مثل‌های مرتبط با موضوع زن و خانواده استخراج شد. از میان این امثال ۳۹ زوج ضرب‌المثل قابل تطبیق در دو زبان به دست آمد. این ضرب‌المثل‌ها در سه دسته همسان، مشابه و متفاوت طبقه‌بندی شد و مورد بحث قرار گرفت. از میان ۳۹ زوج ضرب‌المثل بررسی شده ۷ زوج (۱۷/۹٪) کاملاً همسان، ۱۸ زوج (۴۶/۱٪) مشابه و ۱۵ زوج (۳۸/۴٪) متفاوت بودند (جدول ۱).

سیمای زن در فرهنگ عامیانه فارسی‌زبانان و کردزبانان شباهت‌های بسیاری دارد. در این دو حوزه فرهنگی مثل‌های پیرامون صفات خوب زن (۷/۵٪) و در مقابل، امثال مرتبط با صفات بد زن (۲۵٪) است (جدول ۲). در بعضی از مثل‌ها اهمیت مسائل اقتصادی برای زنان بیان شده (۷/۵٪) و در برخی دیگر نحوه رفتار با زنان که باید توأم با احترام و نوازش باشد (۲/۵٪) آمده است. به‌طور کلی از ۳۹ مثل تطبیق داده شده ۴ مورد به برابری زن و مرد اشاره داشته‌اند که حدود ۱۰٪ از امثال را شامل می‌شود و ۵ مورد (۱۲/۵٪) نحوه ارتباط زن و مرد را بیان کرده‌اند. در پاره‌ای از مثل‌ها، مسئله‌ای که در مورد نقش و سیمای زن مشاهده می‌گردد، نگاه ابزارگونه به زن است؛ به نحوی که زن جزئی از اموال و دارایی‌های مرد تلقی می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌گردد بیشترین درصد امثال صفاتی را به زن نسبت می‌دهند که چندان دل‌انگیز نیست. صفات خوبی که برای زن بیان شده عبارت از فرمانبر، پارسا و پاک‌دامن بودن است. همچنین در میان صفات بدی که به زنان نسبت داده شده، دورویی، دروغ‌گویی، کم‌عقلی و مادی‌گرایی برجسته هستند.

جدول ۱- مقایسه تعداد و درصد امثال از نظر نوع ارتباط آن‌ها

درصد	تعداد	نوع ارتباط امثال
۱۷/۹٪	۷	همسان
۴۶/۱٪	۱۷	مشابه
۳۸/۴٪	۱۵	متفاوت

جدول ۲- مقایسه تعداد و درصد امثال از نظر مفهوم آن‌ها

درصد	تعداد	مفهوم امثال
۱۰٪	۴	برابری زن و مرد
۷/۵٪	۳	دو زن داشتن
۱۲/۵٪	۵	ارتباط زن و مرد
۲۵٪	۱۰	ذکر صفات بد برای زن
۷/۵٪	۳	ذکر صفات خوب برای زن
۷/۵٪	۳	اهمیت جایگاه مادر
۵٪	۲	مذمت زن گرفتن پسر
۵٪	۲	توصیه به ازدواج دختر
۲/۵٪	۱	دوست داشتن و مهربانی با زن
۵٪	۲	اهمیت فرزندآوری
۲/۵٪	۱	ازدواج مرد زن مُرده
۲/۵٪	۱	نگاه کالاگونه به زن
۷/۵٪	۳	مادی‌گرابودن زن

منابع

- ابن‌یمین فریومدی، محمودبن یمین‌الدین (۱۳۴۴)، دیوان، به اهتمام حسینعلی باستانی راد، تهران: سنایی.
- امین‌الرعا، پروین و شهلا شریفی و محمود الیاسی (۱۳۹۳)، «ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۴، صص ۸۹-۱۲۰.
- ایمانی، آوا؛ کسائی، غلام‌رضا؛ اسلامی راسخ، عباس (۱۳۹۴)، «زن در ضرب‌المثل‌های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۳.
- باقری، بهادر و فاطمه باقری (۱۳۹۱)، «زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایرانی، مجله انسان‌شناسی»، سال دهم، شماره ۱۶، صص ۲۹-۵۲.
- برزگر، مریم (۱۳۹۸)، «تحلیل و بررسی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی (مبتنی بر امثال‌وحکم دهخدا)»، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.
- پارسا، سید احمد (۱۳۸۶)، «بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کُردی و فارسی»، سندج: دانشگاه کردستان.
- جمشیدی‌پور، یوسف (۱۳۴۷)، «امثال فارسی»، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- حجازی، قدسیه (۱۳۸۱)، ارزش زن (از نظر قضایی و اجتماعی)، تهران: مرکز تحقیقات حقوقی قدسی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، لغتنامه دهخدا (بر اساس حروف الفبا)، تهران: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۹)، امثال‌وحکم، چهار جلد، تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۰، سال هشتم، شماره ۲.
- سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله (۱۳۸۷)، کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ دوم، تهران: پیمان.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۴)، دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها، مشهد: آستان قدس رضوی.

العسکری، اَبی هلال الحسن بن عبدالله بن سهل (۱۴۰۸ هجریه - ۱۹۸۸ م)، *جمهره الأمثال*، جزء الاول - الطبعة الأولى، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیة.

علوی، سید فاخر (۱۳۹۸)، *فرهنگ ضرب المثل ها و اصطلاحات عامیانه فارسی - کردی*، ارومیه: دارالاحلاص.

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۸۲)، *قابوس نامه*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فتاحی قاضی، قادر (۱۳۷۵)، *امثال و حکم کردی (بخش دوم)*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

_____ (۱۳۶۴)، *امثال و حکم کردی*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

فخری هروی، محمد و منشی احمد حسین سحرکاکوروی (۱۳۹۲)، *جواهرالعجائب و آیینه حیرت*، تصحیح مینا آقازاده و زهرا ابراهیم اوغلی، تهران: نشر فرهنگی.

کیخایی، یحیی و سیاوشی، هدی (۱۳۹۲)، «سیمای زن در ضرب المثل های فارسی»، دومین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان شناسی، شیراز، ۲۵ الی ۲۶ اردیبهشت.

محمدپور، احمد و کریمی، جلیل و معروف پور، نشمیل (۱۳۹۱)، «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب المثل های کردی (مورد مطالعه گویش سورانی - مَکریانی)»، زن در فرهنگ و هنر، ۴، شماره ۳.

معصومی، محسن، رحیمی نژاد، ویدا (۱۳۹۱)، «زن و ضرب المثل های جنسیتی»، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال چهارم، شماره ۱۱.

ملکی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «زن در امثال و حکم و مصطلحات مثلی زبان کردی»، مجله انسان شناسی، سال نهم، شماره ۱۵.

موحه مدی، خه لیل (۱۳۹۴)، «زه رده ی دهم که ل»، جلد اول و دوم، سنندج، دانشگاه کردستان: پژوهشکده کردستان شناسی.

میدانی، ابوالفضل (۲۰۰۳)، *مجمع الامثال*، ج ۱، تحقیق قصی الحسین، الطبعة الاولى، بیروت: مکتبه الوطنیه.

Abstract

A comparative study of The subject of woman and family in Persian and Kurdish proverbs and Wisdoms (with emphasis on the function of women in the family and society)

Considering the cultural, historical, and geographical affinities in the two Persian and Kurdish language communities, and the importance of the position of women and family in Iranian and Kurdish society, this study was dedicated to a comparative study of proverbs and sayings related to women and family in Kurdish and Persian languages.

For this purpose, reference was made to the original sources that contained Persian and Kurdish proverbs and sayings, and the proverbs on the subject of women, as well as women's relationships with men and other family members, and the status and function of women in the family and society, were extracted.

The authors examined these proverbs in terms of the components that constitute their literary structure and form, such as music, imagery, linguistic and syntactic aspects, as well as in terms of thought and content, and presented their commonalities and differences.

Due to strong historical, cultural and religious ties, common living conditions, geographical proximity and the possibility of greater communication and interaction, common themes between Kurdish and Persian proverbs and sayings, especially on the subject of women and family, are relatively frequent. It seems that a significant part of these commonalities was of the connotation type.

Of course, this possibility is stronger in the case of distinct proverbs and is intermediate in the case of similar proverbs. Another part of the commonalities can also be the product of the mutual influence and influence of Kurdish and Persian folklore literature, in other words, the result of translation by one of these two linguistic communities from the other. The latter suspicion is also stronger in the case of identical proverbs.

The image of women in the folk culture of Persian-speaking and Kurdish-speaking peoples is very similar; in these two cultural areas, there are proverbs about women's good qualities (7.5%) and, conversely, proverbs related to women's bad qualities (25%) (Table 2). Some proverbs express the importance of economic issues for women (7.5%) and others describe how to treat women with respect and caress (2.5%).

In general, out of the 39 proverbs adapted, 4 of them refer to the equality of men and women, which include about 10% of the proverbs, and 5 (12.5%) describe the way men and women communicate. In some proverbs, the problem that is observed regarding the role and image of women is the instrumental view of women; in such a way that women are considered part of men's property and assets.

As can be seen, the highest percentage of likes attribute traits to women that are not very desirable. The good traits that are stated for women include being obedient, pious, and chaste. Also, among the bad traits attributed to women, hypocrisy, lying, Dementia, and materialism stand out.

Keywords: proverbs, Kurdish, Persian, woman, family